

زیر آسمان فیروزمای

آغاز پیش فروش نمایش «نمی‌تونیم راجع بهش حرف بزنیم»

● گروه هنر: از ۳۱ مرداد پیش‌فروش بلیت‌های نمایش «نمی‌تونیم راجع بهش حرف بزنیم» از سایت تیوال آغاز شده است.این نمایش نوشته پیام سعیدی، به کارگردانی جابر رضانی و با دراماتورژی محمد چرمشیر، از چهارشنبه، هشتم شهریور ۹۶، ساعت ۲۱ در سالی سمندریان تماشاخانه ایرانشهر، ه‌رشب به‌مدت ۶۰ دقیقه روی صحنه می‌رود. بازیگران این نمایش عبارتند از (به ترتیب حروف الفبا): شیوا ابراهیمی، علی باقری، آتیلا پسیانی، اصغر پیران، نگار جواهریان، ایمان صاددبرهانی، نیکامهر غفاریان و مریم نورمحمدی. همچنین دیگر عوامل اصلی این نمایش را طراح صحنه: مرتضا فرید، طراح لباس: نگار نعمتی، طراح نور: صبا کسمایی، طراح گریم: ماریا حاجبها، طراح پوستر: علی باقری و عکاس: احسان نقابت تشکیل می‌دهند. تهیه‌کننده «نمی‌تونیم راجع به‌ش حرف بزنیم»، گروه تئاتر سوراخ تو دیوار است.

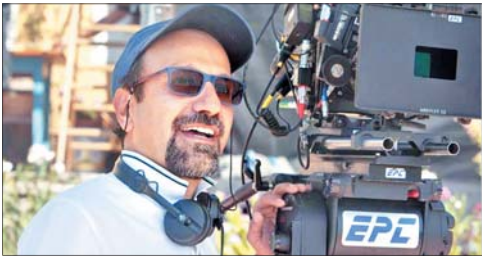
برنامه دور سوم پروژه «چند شب»

نوبت به گیتاریست‌ها رسید

● دور سوم مجموعه کنسرت‌های «چند شب» روزهای سیزدهم و چهاردهم شهریورماه با حضور تعدادی از نوازندگان مطرح گیتار در بنیاد آفرینش‌های هنری نیاوران برگزار می‌شود. دور سوم پروژه موسیقایی «چند شب» ساعت ۲۰:۳۰ روزهای سیزدهم و چهاردهم شهریور با حضور تعدادی از نوازندگان مطرح گیتار در بنیاد آفرینش‌های هنری نیاوران تهران برگزار می‌شود. در پروژه «چند شب گیتار» طبق روال شب‌های دیگر این مجموعه برنامه، نوازندگان شناخته‌شده ساز گیتار به اجرای برنامه می‌پردازند. نوازندگان این چند شب در سبک‌های جَز، فلامنکو و کلاسیک بدون همراهی ساز، دیگر آثار خود را به مخاطبان ارائه می‌دهند. محمد آرمند، حسین کمانی، شفق فخارزاده، احسان فرامرزپور، کامبیز پاکان، نوید زمردی و مهرداد پاکباز هنرمندانی هستند که در کنسرت‌های «چند شب گیتار» حضور دارند. مجموعه کنسرت‌های «چند شب» به همت مؤسسه فرهنگی- هنری «نغمه حصار» به مدیریت افشین معصومی برگزار می‌شود.

آغاز فیلم‌برداری فیلم «اصغر فرهادی» در اسپانیا

همکاری مشترک فرهادی و صفی‌یاری در «همه می‌دانند»



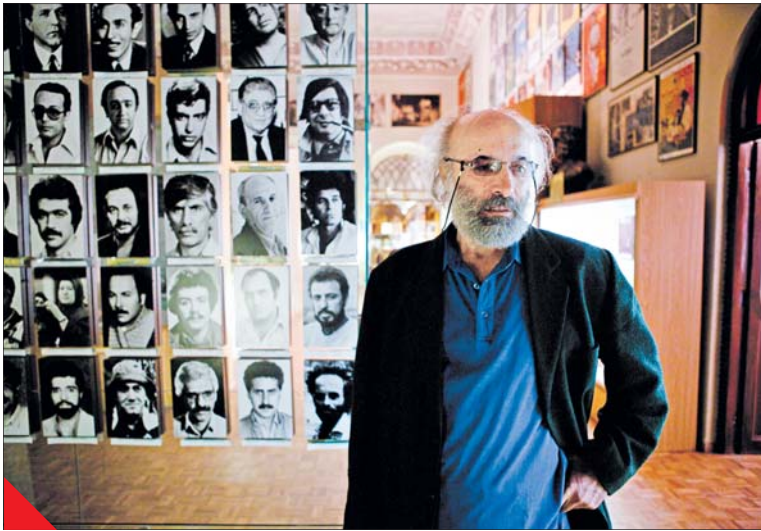
تجدید دیدار اعضای خانواده خلاصه شود، رویدادهای غیرمنتظره‌ای به وقوع می‌پیوندد که بر روند زندگی کارولینا تأثیر می‌گذارد.

با توجه به داستان فیلم، بار دیگر شاهد فیلمی معمایی و پرتعقیل از سینماگر شهیر ایرانی خواهیم بود.

آغاز مجدد تصویربرداری سریال «۸۷ متر» عیاری

که به گفته عیاری، فیلم‌نامه آن در سال ۱۳۸۷ به تلویزیون داده شده، موضوع آن درباره مالک یک آپارتمان ۸۸ متری است که کلاهبرداری می‌کند و خانه را به ۱۲، ۱۳ نفر می‌فروشد.

کیانوش عیاری سرپالش را با بازیگرانی که پیش از این تجربه کار با آنها داشته، مقابل دوربین برد. علی‌دهکردی، ابوالفضل پورعرب، مهران رجبی، فریا کامران، نازنین فراهانی، هدی زین‌العابدین، دیا زاهدی، الهه خادمی، ملیکا نصیری، نیما نوری‌زاده، سحر عبداللهی و محمد بحرانی از بازیگران سریال ۸۷ متر» هستند. این سریال یک درام اجتماعی است که داستان آن درباره دو خانواده به نام پوردورانی و خلیلی است. علیرضا پوردورانی به‌همراه همسر، دو دختر و پسرش خانهای را از یک فروشنده به نام فرج ناصری خریداری می‌کنند، اما روز اسباب‌کشی متوجه می‌شوند که خانه به فرد دیگری به نام رجب خلیلی فروخته شده است. رجب به‌همراه پسر، همسر و دو دخترش صبح زودتر از پوردورانی‌ها به خانه رسیده و وسایلشان را در خانه گذاشته‌اند، اما با رسیدن خانواده پوردورانی، ماجرای کلاهبرداری مشخص می‌شود. ظاهراً تصویربرداری سریال ۸۷ متر یک‌سال به طول خواهد انجامید و در بیش از ۳۰ لوکیشن در تهران تصویربرداری خواهد شد و باید منتظر پخش آن از شبکه اول سیما بود.



عیاری در پشت صحنه

«۸۷ متر» با تمام تلاش و براساس زمان‌بندی پیش‌بینی‌شده کار را دنبال می‌کنند و به امید خدا براساس برنامه‌ریزی، تصویربرداری را ادامه خواهیم داد.

سریال «۸۷ متر» که در اصل عنوان «۸۸ متر» داشته، درامی اجتماعی است که داستان آن درباره دو خانواده به نام پوردورانی و خلیلی است. سریال

مصلای تهران به منطقه چاردیواری در خیابان اشرفی‌اصفهانی منتقل شد و باید بگوییم این اتفاق یک رویه معمول در امر فیلم‌سازی و تولید سریال است. او ادامه داد: با اتمام ضبط سکانس‌های خیابانی، از اول شهریور به لوکیشن آژانس خودرو در خیابان میرداماد خواهیم رفت.

آقاکریمی در پایان تصریح کرد: تیم تولید

گالری شمس برگزار می کند

با آثاری از: احمد اسفندیاری، صادق تبریزی، ناصر اویسی، کامبیز درمبخش، جمشید سماواتیان، بهرام دبیری، پروانه اعتمادی، بهمن بروجنی، بیوک احمری، شهره امیراحمدی، فیروزه بختیاری، یاسمن بازارگان، مجتبی تاجیک، علی جمشیدی، گلبن جمشیدی، محسن حجازی، امید خاکباز، علی دقیق، سعید رضوانیان، حمیده رضوی، فرزانه رادمهر، علی روستاییان فرد، امیر رحیمی، علیرضا سعادت‌مند، سپیده شاه حسینی، الهه صالح، علی عابدینی، رضا عابدی، امیر فارس‌سیجانی، حامد قصری، منوچهر موغاری، فرامرز مختارپور، کامبیز مکرى، احمد مقدسی، همایون موسوی، کیوان مکرى، امیر مافی بردبار، میشا میر، هانی نجم، مهدی نبوی، وارطانیان، هاکوپیان، ترمه یعقوبی و Marie Pierre



حراج آثار هنری

قیمت آثار از ۳۰۰ هزار تا ۳ میلیون تومان

گشایش: جمعه ۳ شهریور ۱۳۹۶ ساعت ۱۶ تا ۲۰ ادامه نمایشگاه تا ۱۰ شهریور همه روزه از ساعت ۱۵تا ۱۹
«گالری روزهای پنجشنبه تعطیل می باشد»

SHAMS ART GALLERY PRESENTS:
ARTWORKS OFF
Price: 300/000 to 3/000/000 Tomans.

Opening: 25 Aug 2017, 4 PM. to 8 PM.
Exhibition Countinus to 1 Sep 2017
Visiting Hourse: 3 PM. to 7 PM.
(Gallery is Closed on Thursdays)



www.SHAMSARTGALLERY.COM
 telegram.me/shamsgallery / instagram.com/shamsartgallery / shams_artgallery@yahoo.com

پاسداران شمالی، ضلع غربی فرهنگسرای نیاوران، کوچه‌خان سفید، پلاک ۱۰

تلفن: ۰۲۲۲۸۴۰۵۶ / ۰۲۶۱۳۲۳۴۱ / ۰۲۶۱۳۲۳۴۲

No.10, Khan Sefid Alley., West of Niavaran Cultural Complex

Niavaran Ave., Tel: +98-21 22284056 / 26132341 / 26132342

یادداشت روزنامه‌نگار مستعفی

راه‌رحمانیان وراه بیضایی



لیلی فرهادپور

● در مصاحبه‌ای سال‌ها پیش بیضایی در مورد بی‌راهه‌های سینما گفته بود: «همه‌جا راه است، اگر تو بخوای. و توقف راه خودت را می‌خواهی» و این جمله گویی وصف حال رحمانیان است. برای محمد رحمانیان مهم نیست که در وزارت ارشاد یا بنیاد رودکی چه خبر است او کار خودش را می‌کند، زورش رسیده، اجرا می‌رود و زورش نرسید، در محاق توقیف می‌ماند و دلش می‌شکند. به‌همین‌ترتیب است که با همه اواواگرها و با همه دست‌اندازی‌ها و دشنام‌نویسی‌ها علیه خودش و تاتارش و متن بیضایی، اکنون «آینه‌های روبرو» را به اجرا درآورده است.

«آینه‌های روبرو»ی رحمانیان یک فیلم- تئاتر - روزنامه از روی فیلم‌نامه بهرام بیضایی است. فیلم – تئاترپندش را همه شنیده‌اند، اما کسی درباره روزنامه‌ای که به‌عنوان برششور در این اجرا پخش می‌شود نگفته است. رواقع دیدن این اجرا غوطه‌ورشدن در کلی فرامتن و بینامتن و خاطره و نوستالژی است. پیچیده نیست، الان شرح می‌دهم. در این اجرا ما با سه رسانه مواجهیم: نمایش، فیلم و روزنامه. وارد تالار وحدت که می‌شویم، روزنامه را دست می‌دهند. چهار صفحه است، روزنامه‌ای با قطع تابلوینی و با لوگوی اطلاعات به تاریخ ۳۰ دی‌ماه ۱۳۵۷ و قیمت ۱۰ ریال. قیمتش که شوخی است برای لیخندی از مقایسه ۴۰ساله. بتر اولش که نام نمایش است و زیرتیترهایش نام نویسنده و کارگردان: بهرام بیضایی و محمد رحمانیان، اما آن بالا در گوشواره نوشته شده است: «شهر در خون و آتش» و این پایین گزارشی از حمله برخی مردم معترض به قلعه شهرنو در روز بیست‌ونهم دی در ساعت پنج عصر. همه ما که سنی گردانده‌ایم یادمان هست: حمله به محله فاحشه‌ها در تهران. آتش و دودی که آتش‌نشان‌ها خاموش نکردند و زانی که از آن بیغوله فرار کردند. گزارش این واقعه دست‌مایه داستان نمایش است: داستانی عشقی سیاسی و سیاسی عشقی، اما هنوز نمایش شروع نشده وقت است که روزنامه را ورق بزنیم. در میان اسامی بازیگران فیلم و نمایش که لشکری هستند از زُنزال‌ها (طبق عادت مرسوم رحمانیان) چشم‌ت به مصاحبه‌ای با بیضایی می‌افتد. سال‌ها گذشته است، اما تا‌زگی‌اش همچنان ادامه دارد. دلت درد می‌آید آن‌جا که استاد می‌گوید: «من تاریخ خوانده‌ام و خود را وارث وحشتی عظیم یافتم، اما توانستم آرام‌آرام صدای مردمی را بشنوم که در تاریخ گفته نشده‌اند…» زنگ شروع نمایش زده می‌شود و وارد تنها تالار کلاسیک نمایش پایتخت می‌شوی. فرامتن روزنامه‌ای نمایش با تو همراه است. نمایش شروع می‌شود؛ عین کتاب‌های مصور کودکی که بازش می‌کردی و تصاویر از دل کتاب خارج می‌شدند و جلوی تو می‌ایستادند. فیلم در روی پرده جریان دارد و بازیگران نمایش انگار از آن جدا می‌شوند و زنده جلوی تو نمایش می‌دهند. همه زنده‌اند؛ چه آنها که بر پرده‌اند و چه آنها که بر صحنه‌اند. متن بیضایی است و بازی‌هایی از جنس بازی‌گرفتن‌های رحمانیان و چیدمان‌هایش. با شخصیت زان در متن‌های بیضایی مشکل دارم. زن‌های متون بیضایی بیشتر اثری هستند تا واقعی. بیشتر دنبال پشت و پناه هستند تا استقلال، اما جان‌بخشی رحمانیان به این شخصیت‌ها را دوست دارم؛ آنها را با همان بزرگ‌نمایی‌های شخصیتی باورپذیر می‌کند. حبیب رضایی در داستان رحمانیان همیشه شگفتی‌آور است و بهوش طباطبایی بسیار خوب. رویا تیموریان عالی است. خود جنس است در نقش مادام. مادام یک نیک است که از نخستین گروه مهاجران ارمنی به ایران گرت‌برداری شده؛ مهاجرانی که سنت کافه‌داری و کافه‌نشینی را در مناطق مرکزی تهران – از جمله خیابان نادری- پی‌ریزی کردند و حاصل‌کسب‌وکارشان آغاز برپایی پاتوق‌های روشنفکری مانند کافه‌فیروز یا کافه‌نادری در کلان‌شهر تهران بود. همه خوب هستند، مگر می‌شود خوب نباشند؛ هم در فیلم و هم در نمایش. سالن پر است تا طبقه سوم. چه خوب که رحمانیان مخاطب خود را دارد. همان اول گفتم که برای محمد رحمانیان مهم نیست چه کسی آن بالااست، کار خودش را زورش رسیده، اجرا می‌رود و زورش نرسید، در محاق توقیف می‌ماند و دلش می‌شکند. هشت سال پیش دلش شکست وقتی که نمایش بی‌نظیر «روز حسین» اجرا نشده، توقیف شد. باروبنه‌اش را بست و رفت کانادا، اما تاب نیاورد. هرسال برگشت و هرسال اجرا رفت؛ اجراهایی نوستالژیک مانند کار‌های ترانه‌ای‌اش و خیلی راحت در مقابل منتقدان هنری ایستاد و گفت مگر ادعا دارم این‌ها که اجرا می‌کنم تئاتر است؟ ولی مجلس ضرب‌خوانی و دو، سه کار جدی دیگر هم به صحنه برد تا رسید به همین «آینه‌های روبرو». بیضایی در مصاحبه‌اش از فرنگ‌رفته‌های آن زمان کله می‌کند و من به یال‌وکوپای سفیدی رحمانیان نگاه می‌کنم که مانند شبیری سخته روی صحنه می‌رود و از همه تشکر می‌کند. در نور چراغ‌های خیابان و زیر سایه مکس‌های سفید که فکر می‌کنی هرآن وارد گوش و چشم و دهانت می‌شوند. نگاهی به صفحه آخر روزنامه می‌اندازم. در میان تمام مطالب مربوط، یک مطلب نامربوط هست، آگهی و عکس جوانی که کم شده. آن جوان بیضایی است.